

بخش دهم "جنگ و جهانی شدن"

نباید اجازه داد ماشین جنگی امریکا به ایران برسد

ماشین جنگی امریکا، پس از پایان جنگ سرد، برای جنگی گرم سوخت گیری شد. یازدهم سپتامبر در نیویورک فرمانی بود برای حرکت این ماشین. بوش پدر در یوگسلاوی کاربردهای نوین این ماشین را آزمایش کرده بود و در فاصله پایان جنگ یوگسلاوی و اشغال افغانستان نواقص و کمبودهای این ماشین جبران شد. به شهادت آنچه که در زیر می خوانید، در جریان اشغال افغانستان از سلاح هائی استفاده شد که نواقص آنها در جبهه عملی جنگ و در واقع بمباران وحشیانه یوگسلاوی کشف شده بود و به همین دلیل در غارهای "تراپورای" افغانستان توانستند بمب های مینیاتوری اتمی را به بهانه کشتن بن لادن امتحان کنند. اشغال عراق و افزایش شمار جنگ افزارها و نظامیان امریکا در اطراف ایران، فشار به سوریه برای خروج از لبنان و زمینه سازی هائی که برای دخالت مستقیم در ایران می شود، همگی یک استراتژی است. این استراتژی برخلاف تصور حاکمیت ایران با تصور تبدیل عراق به ویتنامی دیگر و یا تبدیل ایران به ویتنامی دیگر برای امریکا متوقف نخواهد شد، زیرا آنها برای میهمانی به منطقه نیامده اند که از کشته شدن سرباز امریکائی دچار تردید شوند و یا حادثه جوئی های انفجاری آنها را ناچار به تغییر استراتژی کند. این استراتژی از دل سرمایه داری گرفتار بحران اقتصادی بیرون آمده و هر اندازه که این بحران تشدید می شود (همچنان که می شود) پافشاری بر این استراتژی جدی تر نیز خواهد شد. چنان، که در واقع رویارویی میان اروپا و امریکا عملاً در کشورهای نظیر عراق و افغانستان و لبنان و احتمالاً ایران ادامه خواهد یافت. سرمایه بزرگ، قصد بلعیدن سرمایه کوچک را دارد. آغاز پذیرش برخی کشورهای اروپائی کوچک بعنوان "اروپای دوم" (مانند اصطلاح جهان سوم) گوشه ای از واقعیاتی را که جهان به سمت آن می رود را به نمایش می گذارد. حاکمیت کوتاه اندیش جمهوری اسلامی قادر به درک این شرایط نیست و به همین دلیل است که گام به گام، با سیاستی که در داخل کشور علیه وحدت ملی دارد و ماجراآفرینی هائی که در منطقه می کند، با استراتژی امریکا همسوئی می کند.

با این مقدمه، بخش دهم از کتاب "جنگ و جهانی شدن" را می خوانید:

جنگ یوگسلاوی در سال 1999، که همزمان با تشکیل اتحاد گوام و گسترش ناتو در کشورهای اروپای شرقی آغاز شد، بر روابط شرق و غرب تاثیر بسزایی گذاشت. الکساندر ارباتوف معاون رئیس کمیته دفاعی "دوما" یا شورای عالی روسیه در خصوص روابط بین ایالات متحده و روسیه، جنگ یوگسلاوی را به مثابه وضعیتی بمراتب بدتر از بحران برلین و کوبا توصیف نمود.

وی معتقد است: استارت 2 و همکاری با ناتو متوقف شده است. موردی برای همکاری در خصوص "دفاع ضد موشکی" وجود ندارد. تمایل مسکو برای عدم کاهش آنها تا به این حد پایین

نبوده است. بعلاوه در روسیه آمریکایی ستیزی به يك واقعیت غیرقابل انکار و همه گیر تبدیل شده است و شعار " امروز یوگسلاوی فردا روسیه " عمیقاً در روح مردم روسیه نفوذ کرده است. " علیرغم تمایل آشتی پذیر "بوریس یلتسین" در جلسه سران کشورهای هشت در سال 1999 در کلن، مقامات نظامی روسیه عدم اتحاد خود با ایالات متحده را به روشنی نشان دادند: " بمباران یوگسلاوی می تواند در آینده ای نه چندان دور در مورد روسیه به اجرا درآید. "

بر اساس اظهارات "ماروین اشفورد" رییس انجمن بین المللی پزشکان برای جلوگیری از جنگ هسته ای (تی پ پ آن دوبلیو) روسیه قبل از جنگ یوگسلاوی به سمت نزدیکی با اروپای غربی موضع گرفته بود، اما از فردای شروع جنگ، روسها بزرگترین تهدید را از جانب غرب می دید. مقامات بلندیایه وزارت خارجه روسیه اظهار داشتند که روسیه تنها می تواند روی سلاحهای هسته ای خود حساب کند، زیرا نیروهای دیگرش در وضعیت مناسبی قرار ندارند. تغییر رویه روسیه نسبت به غرب و افزایش سلاحهای اتمی که بصورت هزاران موشک در حال آماده باش هستند و عدم اعتماد این کشور به حقوق بین المللی ما را بر آن می دارد که به وقوع یک فاجعه مشکوک باشیم. بحران کنونی بیش از هر زمان خلع سلاح اتمی را در دستور روز قرار می دهد.

افزایش پتانسیل نظامی در سال 1999

در همین زمان در واشنگتن نیز يك برنامه وسیع برای افزایش سلاحهای نظامی در جریان بود. هدف واشنگتن رسیدن به هژمونی نظامی در صحنه جهانی بود. در سال 2002 مخارج دفاعی از مرز 300 میلیارد دلار گذشت. این مبلغ برابر با درآمد ناخالص ملی روسیه بود. (درآمد ناخالص ملی روسیه 325 میبدلار در سال است) یعنی مخارج نظامی ایالات متحده بعد از حمله به افغانستان در اکتبر 2001 باز هم افزایش یافت. بیشتر از يك سوم اعتبار شصت و هشت میلیاردی پیش بینی شده در بودجه سال 2003 به سلاحهای پیشرفته دوران جنگ سرد اختصاص داده شد. چندین میلیارد دلار به تولید بمب های خوشه ای اختصاص داده شد، که در تمام دنیا توسط گروههای مختلف دفاع از حقوق فرد مورد اعتراض قرار داشت. هیچ چیزی نمی تواند این هزینه های را بجز اینکه ایالات متحده قصد دارد امپراتوری جدید نظامی - اقتصادی خود را به هر قیمتی، حتی میلیتاریزه کردن فضا بر دنیا حاکم کند ، توجیه نماید.

در چارچوب افزایش قابل توجه پتانسیل نظامی، دولت بوش(پدر) قصد دارد در 5 سال آینده مخارج نظامی را به 120 میلیارد دلار افزایش دهد. به نحوی که بودجه نظامی به رقم نجومی 450 میلیارد دلار در سال خواهد رسید. این بودجه فقط به ماشین نظامی - جنگی آمریکا تعلق دارد. بودجه سرویس اطلاعاتی " سیا " که بطور رسمی 30 میلیارد دلار در سال، یعنی ده درصد درآمد ناخالص ملی روسیه است شامل این بودجه نمی شود. هنوز میلیارد ها دلار که باید از قاچاق مواد مخدر و هم از طریق موسسات ساختگی به حساب "سیا" ریخته می شود به این مبالغ اضافه شود. بعلاوه میلیارد ها دلار (در بودجه دفاعی) به نوسازی سلاحهای هسته ای آمریکا اختصاص یافته است. يك نوع موشک خوشه ای جدید، مجهز به چند کلاهک هسته ای که قادرند (از يك گلوله موشکی) تا ده کلاهک هسته ای را به **ده شهر** مختلف را هدف بگیرد. این موشکها در حال حاضر روسیه را هدف گرفته اند. این موضوع در چارچوب دکترین (اولین حمله) نخستین ضربه هسته ای قرار دارد. این موشکها به سمت کشورهای " شرور " نشانه رفته اند. ولی در حقیقت امر آنها چین و روسیه را هدفگیری کرده اند.

ایالات متحده يك نسل جديد از سلاحهاي اتمي "تاکتیک" را هم به خدمت گرفته است. این سلاح ها بنام "مینی نوک" برای جنگهاي کنوانسیونل در نظر گرفته شده اند. در زمان دولت کلینتون پنتاگون استفاده از سلاحهاي 61 B و "انتي بلوک هاوست" را به این بهانه تجویز کرد که انفجارهاي زیرزمینی آنها تولید رادیواکتیو نمی کنند و برای مردم عادي خطرناک نیست! مسئولین نظامی و آزمایشگاههاي هسته اي ایالات متحده بکارگیری نسل جدید سلاحهاي هسته اي دقیق با شدت کم " (مینی نوک) را که به هنگام جنگ هاي کنوانسیونل با کشورهای جهان سوم می توانند مورد استفاده قرار گیرند تشویق می کنند.

سلاح هسته اي تاکتیک آمریکایی

در جریان جنگ افغانستان در سال 2002 نیروي هوایی آمریکا از بمب هاي انتي بلوک هاوست (جي بي او - 28) که قادر به انفجار هاي عظیمي در زیر زمین هستند استفاده کرد. این بمب ها باید رسماً شبکه غارهاي تونلي را در منطقه کوهستاني جنوب افغانستان هدف قرار میدادند که احتمال می دادند بن لادن در آنجا مخفی شده است. این بمب هاي جي بي او که در پنتاگون به آنها نام مستعار بیگ - وانس داده اند بمب هايي هستند که توسط لیزر پنج هزار لیوري هدایت می شوند.